

## تحلیل بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت های متقلب

کاوه قادری<sup>۱</sup>، صلاح الدین قادری<sup>۲</sup>

**چکیده:** عامل رفتاری بیش اطمینانی مدیران، به انتظارات مثبت نشئت گرفته از خوش بینی هدفدار نسبت به آینده اشاره دارد؛ از این رو به دلیل عدم نیل به اهداف مدنظر مدیران، امکان گرایش مدیران به تقلب در گزارش گری مالی را افزایش می دهد. هدف از مطالعه حاضر تحلیل عامل رفتاری بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت های متقلب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، از دو معیار مخارج سرمایه گذاری و سرمایه گذاری بیش از حد به عنوان عوامل اندازه گیری شاخص های بیش اطمینانی استفاده شد. اندازه گیری شرکت های متقلب نیز به کمک استانداردهای حسابرسی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۹۹۰ سال - شرکت) است که شامل ۳۳۴ نمونه دارای مصداق تقلب و ۳۳۴ نمونه غیرمتقلب برای اعمال کنترل در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۴ می شود. با توجه به ماهیت متغیر وابسته و همگن بودن نمونه آماری از روش رگرسیون لاجیت برای آزمون فرضیه ها بهره برده شده است. بر اساس نتایج پژوهش، میزان بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود بر اساس معیار مخارج سرمایه گذاری در شرکت های متقلب بیشتر است. همچنین نتایج حاکی از رد فرضیه دوم بر اساس معیار سرمایه گذاری بیش از حد است.

**واژه های کلیدی:** بیش اطمینانی، تقلب، رگرسیون لاجیت، سرمایه گذاری بیش از حد، مخارج سرمایه گذاری.

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، مرکز بانه، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

نویسنده مسئول مقاله: کاوه قادری

E-mail: tekosh.gh@gmail.com

DOI: 10.22059/acctgrev.2017.216278.1007440

**مقدمه**

رسوایی‌های مالی متعدد در شرکت‌هایی همچون انرون و ورلدکام و... همراه با مسئلهٔ تقلب در گزارشگری مالی، موجب بروز عدم اعتماد به جامعهٔ حسابداری و حسابرسی شده است. این موضوع، مجامع حرفه‌ای حسابداری را ناچار کرده است علل ایجاد تقلب و راه‌های موجود برای جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی را بررسی کنند. مدیران هنگام مواجهه با نوسان‌ها و فشارهای اقتصادی، برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت تلاش می‌کنند رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار داده و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شوند. مجموعهٔ این اقدامات جنبه‌های منفی و مثبتی دارد. جنبهٔ مثبت شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای اجرا می‌شود؛ در حالی که جنبهٔ منفی این اقدامات می‌تواند به فریب و تقلب در گزارشگری مالی بینجامد (شمسایی، ۱۳۹۲). در این میان نوعی عامل رفتاری و روانی به نام بیش‌اطمینانی می‌تواند به وقوع تقلب در گزارشگری مالی منجر شود. بیش‌اطمینانی، یکی از جدیدترین مفاهیم مالی رفتاری است که هم در تئوری‌های مالی (اسلامی‌بیدگلی و طهرانی، ۱۳۸۹) و هم روان‌شناسی (خدای‌پور، دری‌سده و پوراسماعیلی، ۱۳۹۴) به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است (عرب‌صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴). بیش‌اطمینانی موجب می‌شود فرد توانایی‌های خود را بیشتر و ریسک‌ها را کمتر از حد معمول تخمین زده و احساس کند که قادر به کنترل مسائل و رویدادهاست؛ در حالی که ممکن است این‌گونه نباشد (نوفسینگر، ۲۰۰۱). شراند و زچمن عنوان کردند که بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود، تحریف در صورت‌های مالی را در پی خواهد داشت. این تحریف می‌تواند از روی عمد یا غیرعمدی باشد. بر اساس نظر آنها بیش‌اطمینانی با خوش‌بینی هدفدار در ارتباط است که موجب می‌شود مدیران تحریف عامدانه انجام دهند و در نتیجه شرکت در سراشیبی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد. در توضیح انحراف‌های منجر به بروز تقلب، آنها بیان کردند که مدیران دارای بیش‌اطمینان از عملکرد خود، بیشتر به مدیریت سود مطابق با انتظارات خود تمایل دارند. بنابراین میزان مدیریت در سود از سال نخست تا سال بعدی به میزان زیادی پیش‌بینی خواهد شد تا بتوان اختلاف نشئت گرفته از سودهای مدیریت نشده و انتظارات مدیران را جبران نماید. به همین ترتیب، سودهای مدیریت نشدهٔ سال دوم باید بیشتر از درآمدهای سال اول در نظر گرفته شود (شراند و زچمن، ۲۰۱۱).

از آنجا که بیش‌اطمینانی مدیران می‌تواند به اتخاذ تصمیمات نادرست در آینده منجر شده و با تحریف از سیاست‌های مالی سرمایه‌گذاری، ریسک مربوط به سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و با توجه به اینکه مدیران بیش‌اطمینان، تمایل دارند در شرکت‌هایی فعالیت کنند که رشد

مخاطره آمیز دارند (جروایس، هیتن و اُدن، ۲۰۱۰)، به نظر می رسد گزارشگری مالی را با چالش مواجه کند. با توجه به اهمیت تأثیر گزارشگری مالی متقلبانه بر ارزش شرکتها در بازارهای مالی، در این پژوهش به دنبال پاسخ به این مهم هستیم که آیا در شرکت های مشکوک به تقلب، عامل بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود بیشتر است؟ در این رابطه، پژوهش حاضر با تکیه بر دلایل رفتاری مؤثر بر بیش اطمینانی مدیران و تأثیر آن بر تقلب در گزارشگری، تلاش می کند ادبیات نظری را توسعه دهد. در ادامه مبانی نظری، ادبیات و فرضیه های پژوهش بیان شده است؛ سپس روش پژوهش معرفی می شود. در بخش بعد یافته های پژوهش گزارش شده و در انتهای مقاله نیز نتیجه گیری ارائه خواهد شد.

## پیشینه نظری

### بیش اطمینانی مدیران

علت وجودی بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، آرامشی است که افراد از آن به دست می آورند. بیش اطمینانی با نسبت دادن موفقیت ها به خود، به مرور زمان افزایش می یابد (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳). در واقع بیش اطمینانی مدیران، اعتقادی بی اساس درباره توانایی های شناختی، قضاوت ها و استدلال شهودی وی است (حساس یگانه، حسنی القار و مرفوع، ۱۳۹۴). دو عامل رفتاری مرتبط با بیش اطمینانی مدیران به افزایش انتظارات تقاضای آتی منجر می شود:

۱. درجه بندی اشتباه یا غلط (اثر پایین تر از واریانس): بر اعتماد بسیار پایین نسبت به نتایج مورد انتظار دلالت دارد. رایج ترین نوع بیش اطمینانی در ادبیات مالی است که گاهی آن را بیش اطمینانی در پیش بینی می گویند. در این نوع بیش اطمینانی معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می زنند و فاصله اطمینان های بسیار باریکی در پیش بینی های خود دارند (لیبی و رنه کمپ، ۲۰۱۲). برای مثال هنگام برآورد ارزش یک سهم، انحراف بسیار پایینی را برای مجموعه بازده های مورد انتظار در نظر می گیرند.

۲. خوش بینی المفرط یا غیرواقع بینانه (اثر بالاتر از میانگین): این مفهوم از ادبیات مالی برگرفته شده از مفاهیم روان شناسی و خوش بینی واهی است. در این نوع از بیش اطمینانی، افراد مهارت های خود را بیش از آنچه هست تخمین می زنند (هریبار و یانگ، ۲۰۱۲). تحقیقات روان شناسی صورت گرفته نشان می دهد عموماً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیرواقع بینانه ای از خود و مهارت هایشان داشته باشند. بسیاری از انسان ها هنگامی که خود

را با گروهی مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند.

توضیح بیش‌اطمینانی متمایز از توضیحات اقتصادی در مطالعات پیشین است. از دیدگاه اقتصادی انتظار مدیران به نسبت آتی جانبدارانه فرض نمی‌شود؛ در حالی که از دیدگاه رفتاری بیش‌اطمینانی مدیریت یکی از ویژگی‌های پایدار مدیریتی است که بر سوگیری مثبت در انتظارات آتی مدیریت تکیه دارد (حیدری، ۱۳۹۳). جروایس، هیتن و اُدن (۲۰۱۰) بیان کردند مدیران با بیش‌اطمینانی، تمایل دارند در شرکت‌هایی فعالیت کنند که رشد مخاطره‌آمیز دارند.

پژوهشگران معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود معرفی کرده‌اند. از جمله این معیارها می‌توان به خطای تخمین سود (استولز و استمن و خو، ۲۰۱۵)، مازاد نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام شرکت بر صنعت (بن‌دیوید، گراهام و هاروی، ۲۰۱۰)، مخارج سرمایه‌ای (احمد و دوئل‌مان، ۲۰۱۳) و سرمایه‌گذاری بیش از حد (شراند و زچمن، ۲۰۱۱) اشاره کرد. در این پژوهش از دو معیار مخارج سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری بیش از حد استفاده شده است. حسنی و ذیقمی (۱۳۹۴) معتقدند که هنگامی منابع داخلی کافی است، مدیران بیش‌اطمینان به سرمایه‌گذاری بیش از حد گرایش دارند. از دیدگاه نمایندگی، مدیران ارشد شرکت‌های با نقدینگی فراوان، به‌منظور دستیابی به اهداف شخصی به سرمایه‌گذاری بیش از حد اقدام می‌کنند. محققانی مانند مال‌مدیر و تیت (۲۰۱۱) و هریبار و یانگ (۲۰۱۱) با اقتباس از ادبیات نظری علم روان‌شناسی، به شواهد تجربی در حوزه‌های مالی و حسابداری دست یافتند که مدیران بیش‌اطمینان هنگامی که دارای وجه نقد زیادی هستند، بازده پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از واقعیت تخمین زده و سرمایه‌گذاری بیشتری در آن پروژه‌ها انجام می‌دهند (حیدری، ۱۳۹۳).

### تقلب در گزارشگری مالی

تقلب در مفهوم کلی خود دربرگیرنده تمام ابزارهای است که ساخته انسان است و فرد با استفاده از آن مزیتی را نسبت به دیگری از طریق توصیه‌های دروغین یا کتمان حقیقت کسب می‌کند و شامل تمام رویدادهای ناگهانی، ترفندها، مخفی‌کاری‌ها و سایر راه‌های غیرمنصفانه برای فریب دیگری است (رضایی و ریلی، ۲۰۰۹). طبق بخش ۲۴۰ استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب عبارت است از هر گونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیت ناروا یا غیرقانونی. تقلب شامل وجود انگیزه برای ارتکاب تقلب و استفاده از فرصت جهت ارتکاب آن است (کمیته تدوین استاندارد حسابرسی، ۱۳۹۳). تقلب در صورت‌های مالی زمانی رخ می‌دهد که مدیران با هدف گمراه کردن گروهی از سهامداران در مورد

عملیات اصلی شرکت و همچنین به منظور تأثیر بر نتایج فعالیت‌های شرکت با استفاده از روش‌هایی غیر از اصول پذیرفته شده، سعی در دستکاری صورت‌های مالی دارند (پرولز و لوجی، ۲۰۱۱).

### ارتباط بین بیش‌اطمینانی و تقلب در گزارشگری مالی

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی افراد در احتمال ارتکاب به تقلب در گزارشگری مالی، نقش کلیدی دارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۰؛ باسلی، کارسلو و هرمانسون، ۱۹۹۹). بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود، در برآورد حسابرس از خطر تحریف گزارش‌های مالی ناشی از تقلب صاحبکار تأثیر می‌پذیرد (جانسون، کان، آپستولی و هازل، ۲۰۱۳). مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) معتقدند که بیش‌اطمینانی مدیران می‌تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی توسط حسابرسان اثرگذار باشد، چرا که مدیران دارای بیش‌اطمینانی، احتمال رویدادهای مساعد را بر جریان‌های نقدی شرکت بیشتر از واقعیت برآورد کرده و احتمال رویدادهای نامساعد را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند. در این صورت می‌توان گفت که احتمال وقوع اشتباه در گزارش سود به دلیل نگرش‌های خوش‌بینانه مدیریت افزایش می‌یابد (شراند و زچمن، ۲۰۱۱)، در نتیجه احتمال ارائه مجدد گزارش‌های مالی و مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد (هسیه، بدارد و جانستون، ۲۰۱۴). دوئلمن، هارویتز و سان (۲۰۱۵) ارتباط مستقیم بین افزایش خطر تحریف صورت‌های مالی و بیش‌اطمینانی مدیران را تأیید کردند. شراند و زچمن (۲۰۱۱) معتقدند که اعتمادبه‌نفس زیاد، گرایش به تقلب را افزایش می‌دهد؛ چرا که اگر در زمان  $t$ ، مدیر در مورد درآمدهای دوره آتی انتظارات غیرواقعی داشته باشد، احتمال تحقق سودهای سال  $t + 1$  را کمتر از معیار مد نظر پیش‌بینی می‌کند، در نتیجه بیشتر مایل به مدیریت درآمدها در دوره  $t$  خواهد بود. آنها عنوان کردند که اگر سودهای زمان  $t + 1$  از مقدار پیش‌بینی شده کمتر باشد، استفاده از معیار اندازه‌گیری درآمد مورد استفاده در سال  $t$  به صرفه نیست و مدیر ممکن است سودها را دوباره در دوره  $t + 1$  محاسبه کند. به همین ترتیب، مدیری که در زمان  $t$  در مورد سودهای دوره  $t + 1$  انتظارات غیر واقعی دارد، احتمال نیاز به مدیریت سودهای سال  $t$  را کمتر در نظر می‌گیرد، تا امکان مدیریت سودهای کلان در سال بعد به‌عنوان یک انتخاب بهینه وجود داشته باشد.

### پیشینه تجربی

مشایخی و حسین‌پور (۱۳۹۵) بیان کردند که شرکت‌های بورسی مشکوک به تقلب، یکی از روش‌های مدیریت سود را در جهت هدف مدیریت سود خود انتخاب می‌کنند. در واقع، چنانچه

مدیریت سود واقعی طی سال افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود تعهدی در پایان سال کاهش (افزایش) می‌یابد.

مرادی، رستمی و زارع (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حساب‌برسان و بررسی تأثیر آنها بر عملکرد مالی شرکت»، به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی‌های مدیریت، تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت، ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی با احتمال وقوع تقلب رابطه معناداری وجود دارد. آنها بیان کردند که وجود ویژگی‌هایی نظیر تلاش وافر برای افزایش سود و وابسته‌بودن پاداش مدیران به سود شرکت و نیز، تمایل به معامله با اشخاص وابسته، به افزایش انگیزه مدیریت در راستای گزارشگری متقلبانه منجر خواهد شد.

فرقان دوست حقیقی، هاشمی و فروغی دهکردی (۱۳۹۳)، در پژوهشی به مطالعه ارتباط بین مدیریت سود و امکان تقلب در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد در شرکت‌های با سابقه مدیریت سود، احتمال ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد. به‌علاوه، نتایج گویای این مطلب است که در زمان وجود سابقه مدیریت سود در شرکت‌ها، وجود عوامل انگیزشی سبب افزایش احتمال ارتکاب تقلب در صورت‌ها مالی می‌شود.

رحمان و همکارانش (۲۰۱۶) با بررسی مدیریت سود در شرکت‌های متقلب مالزی بیان کردند که مدیران این شرکت‌ها در دوره‌های مشکوک به انجام تقلب، درآمدهای شرکت را به‌منظور کاهش در پرداخت مالیات مدیریت می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که بیشترین انگیزه تقلب مدیران در شرکت‌های متقلب، انگیزه‌های شخصی به‌منظور کسب پاداش است.

ریجسنیبلت و کامندر (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر تقلب پرداختند. آنها معتقدند که مدیران خودشیفته، به‌منظور بهبود جایگاه خود در شرکت، اجرای اقدامات جسورانه را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. نتایج پژوهش آنها نشان داد چنانچه بر تصمیم‌های مدیران نظارتی صورت نگیرد، خودشیفتگی بیش از حد مدیران می‌تواند به اعمال رفتار غیر اخلاقی از سوی مدیر منجر شده و منافع شرکت را به خطر بیندازد.

شراند و زچمن (۲۰۱۱) دریافتند که بین بیش‌اطمینانی مدیریت با احتمال تقلب صورت‌های مالی، ارتباط مثبتی وجود دارد و نظارت بهتر داخلی و خارجی از طریق سازوکارهای حاکمیتی این اثر را کاهش نمی‌دهد. آنها معتقدند که بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود همراه با خوش‌بینی

هدفدار است. این خوش بینی مدیران به تحریف عامدانه منجر خواهد شد و در نتیجه، موجب می شود شرکت در سرآشویی مسیر تحریف های عمده گام بردارد.

پرولز و لوجی (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سابقه مدیریت سود و احتمال تقلب در صورت های مالی رابطه مستقیم و معناداری دارند. همچنین عوامل انگیزشی در صورت سابقه مدیریت سود، سبب افزایش احتمال تقلب در می شود.

مالمدیر و تات (۲۰۰۸) با بررسی شرکت های آمریکایی نشان دادند بیش اطمینانی منجر به سرمایه گذاری بیش از اندازه شده و مدیران بیش اطمینان تمایل زیادی برای تحصیل شرکت ها دارند که این مسئله موجب کاهش ارزش شرکت در طول زمان خواهد شد. از سوی دیگر، زمانی که این مدیران به وجوه داخلی دسترسی داشته و به تأمین مالی خارجی نیاز نداشته باشند، این آثار قوی تر می شود.

تیلور و بایلی (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «شناسایی گزارش های اغراق آمیز درآمدی: یک بررسی کاربردی، به این نتیجه رسیدند که مقادیر ساده ارقام تعهدی، به علاوه یکسری شاخص های صورت های مالی، در شناسایی درستکاری درآمدی صورت های مالی نسبت به ارقام تعهدی غیر منتظره ای که محققان معمولاً بر آنها تکیه می کنند، موفقیت بیشتری دارند.

لانگبرگ و کومار (۲۰۰۶) معتقدند که سرمایه گذاری بیش از حد، در شرکت های متقلب توسط مدیران و با هدف گمراه کردن سرمایه گذاران صورت می گیرد. توجیه سرمایه گذاری بیش از حد از طریق اغراق در چشم انداز آینده اقتصادی و اجتماعی شرکت صورت می گیرد. آنها بیان کردند مدیران به منظور حفظ جایگاه خود در برابر ریسک کاهش ارزش سرمایه گذاری ها به تقلب در گزارشگری مالی اقدام می کنند.

کوهن و ساتون (۲۰۰۶) در پژوهشی از مخارج سرمایه گذاری به عنوان یکی از طرق مخفی کردن تقلب در شرکت ها یاد کردند. آنها معتقدند که مدیران با طبقه بندی مجدد هزینه های عملیاتی تحت عنوان مخارج سرمایه ای، به مدیریت سود به منظور تحریف گزارش های مالی اقدام می کنند.

### فرضیه های پژوهش

با توجه به تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر اتخاذ تصمیمات نادرست مربوط به آینده و تحریف از سیاست های سرمایه گذاری، تأمین مالی یا حسابداری و افزایش ریسک پذیری شرکت و با در نظر گرفتن مبانی نظری مطرح شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر مطرح می شوند:

۱. براساس معیار مخارج سرمایه‌گذاری، میزان بیش اطمینانی مدیران در شرکت‌های متقلب بیشتر است.
۲. براساس معیار سرمایه‌گذاری بی‌رویه، میزان بیش اطمینانی مدیران در شرکت‌های متقلب بیشتر است.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی به‌شمار می‌رود و با توجه به ماهیت متغیر وابسته و همگن بودن داده‌ها، از روش رگرسیون لجستیک بهره می‌برد. فرضیه پژوهش بر اساس داده‌های مقطعی آزمون می‌شود و تحلیل‌های آماری به کمک نرم‌افزار Eviews 6 انجام می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۰ ساله (از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۳) تعیین شده است. شایان ذکر است که برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از اطلاعات سال ۱۳۸۳ نیز استفاده شده است.

با پیروی از بخش ۲۴۰ استانداردهای حسابرسی ایران، برای شناسایی شرکت‌های مشکوک به تقلب، مصادیقی همچون به‌کارگیری نادرست یا رعایت‌نکردن رویه‌ها، برآوردها و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی و ارائه یا افشای اقلام با اهمیت صورت‌های مالی در نظر گرفته شده است.

پس از انتخاب شرکت‌های متقلب، به همین تعداد و با دوره زمانی یکسان، شرکت‌های غیرمتقلب به‌عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. همچنین شرایط کلی زیر در مورد تمام شرکت‌ها در نظر گرفته شده است:

۱. تا پایان اسفند ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
  ۲. بیش از ۶ ماه توقف معاملاتی نداشته باشند؛
  ۳. داده‌های مورد نیاز آنها در دسترس باشد؛
  ۴. سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- با اعمال محدودیت‌های فوق، ۹۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (۹۹۰ سال - شرکت) برای نمونه انتخاب شدند که از این تعداد ۳۳۴ نمونه دارای مصادیق تقلب و ۳۳۴ نمونه غیرمتقلب برای اعمال کنترل بودند. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل زیر تخمین زده شده است.



$$Fraud_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CAP - EX_{i,t} + \beta_2 AJR_{i,t} + \beta_3 R - CFO_{i,t} + \beta_4 R - EXP_{i,t} + \beta_5 AG_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$Fraud_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 XSINVEST_{i,t} + \beta_2 AJR_{i,t} + \beta_3 R - CFO_{i,t} + \beta_4 R - EXP_{i,t} + \beta_5 AG_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در مدل های بالا،  $Fraud_{i,t}$  نشان دهنده تقلب،  $CAP - EX_{i,t}$  مخارج سرمایه گذاری،  $XSINVEST_{i,t}$  سرمایه گذاری بیش از حد،  $Abs - Jones - Resid_{i,t}$  مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری،  $R - CFO_{i,t}$  مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق دستکاری در فروش،  $R - EXP_{i,t}$  مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق کاهش هزینه های اختیاری و  $AG_{i,t}$  رشد حساب های دریافتی است.

### متغیرهای تحقیق

#### متغیر مستقل

نحوه اندازه گیری بیش اطمینانی مدیران: برای آزمون فرضیه پژوهش و محاسبه و اندازه گیری بیش اطمینانی مدیران از دو معیار استفاده شده که این معیارها مبتنی بر تصمیمات سرمایه گذاری مدیران است. کمپل و گالیر و جانسون، روترفورد و ستانلی (۲۰۱۱) نشان دادند که تصمیم های سرمایه گذاری در شرکتها با بیش اطمینانی مدیران ارتباط دارد. این مطلب حاکی از آن است که این تصمیمها ممکن است شامل اطلاع آینده در مورد سطح بیش اطمینانی باشد.

۱. افزایش مخارج سرمایه گذاری ( $GAP - EX$ ): برای محاسبه مخارج سرمایه گذاری شرکتها از مدل احمد و دوئلان (۲۰۱۳)، استفاده شده است. اگر مخارج سرمایه ای در یک دوره معین تقسیم بر کل دارایی های اول دوره بزرگتر از میانه آن باشد، نشان دهنده بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت است و عدد ۱ می گیرد و کمتر بودن این مقدار از میانه، گویای عدم بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت است و عدد صفر به آن اختصاص می یابد (احمد و دوئلان، ۲۰۱۳). این معیار مبتنی بر نتایج بن دیوید، گراهام و هاروی (۲۰۱۰) و مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) است که نشان دادند در شرکت های با مدیریت بیش اطمینان، مخارج سرمایه ای بزرگتر است.

۲. سرمایه گذاری بیش از حد ( $XSINVEST$ ): سرمایه گذاری بیش از حد به پیروی از شراند و زچمن (۲۰۱۱) انتخاب شده است. این شاخص که میزان سرمایه گذاری در دارایی ها را نشان می دهد، از باقی مانده رگرسیون رشد کل دارایی ها بر کل فروشها به دست می آید. اگر

خطای باقی‌مانده رگرسیون به‌دست آمده شرکتی بزرگ‌تر یا مساوی صفر باشد، بیش‌اطمینانی مدیران در آن شرکت تأیید می‌شود و به آن عدد ۱ اختصاص می‌یابد و چنانچه خطای باقی‌مانده رگرسیون شرکتی منفی باشد، گویای عدم اطمینان بیش از حد مدیران در آن شرکت است و عدد صفر می‌گیرد. بهره‌گیری از این شاخص بر این مبناست، در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند، مدیران نسبت به همتایان خود، در شرکت بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. برای محاسبه این شاخص از مدل ریچاردسون (۲۰۰۶) استفاده شده است:

$$Inv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Grow_{i,t} + \sum \Phi Control_{j,t,t-1} + v_{i,t} \quad \text{مدل ۳}$$

در این رابطه،  $Inv_{i,t}$  نسبت تغییر در کل خالص دارایی‌های ثابت، سرمایه‌گذاری بلندمدت و دارایی‌های نامشهود به میانگین کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $Grow_{i,t}$  نرخ رشد درآمد شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $Control_{j,t,t-1}$  شامل متغیرهای کنترلی است که عبارت‌اند از:  $Lev_{i,t-1}$  ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها،  $Cash_{i,t-1}$  وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت تقسیم بر میانگین دارایی‌ها در سال  $t-1$ ،  $Age_{i,t-1}$  سال ورود شرکت‌ها به بورس اوراق بهادار تهران در سال  $t-1$ ،  $Size_{i,t-1}$  لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت ابتدای سال،  $Return_{i,t-1}$  بازده سهام و  $Lag(Inv_{i,t})$  فاصله زمانی سرمایه‌گذاری.

### متغیر وابسته

#### نحوه اندازه‌گیری تقلب

در این پژوهش به‌منظور انتخاب شرکت‌های متقلب، ابتدا شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی آنها مردود بوده، اظهار نظری نداشته یا مشروط است، مشخص می‌شوند؛ سپس شرکت‌هایی که در گزارش آنها یکی از مصادیق تقلب ذیل نوع اظهار نظرشان ذکر شده، به‌عنوان شرکت متقلب شناسایی می‌شوند. این مصادیق برگرفته از بخش ۲۴۰ استانداردهای حسابرسی است و عبارت‌اند از: به‌کارگیری نادرست یا رعایت‌نکردن رویه‌ها، برآوردها و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشای اقلام با اهمیت صورت‌های مالی. در مدل پژوهش برای سنجش تقلب، به شرکت‌هایی که حاوی یکی از مصادیق تقلب باشند، عدد ۱ و به شرکت‌های غیرمتقلب عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

### متغیرهای کنترلی

اقدام تعهدی اختیاری: زمانی که مدیران طی چند سال متوالی به مدیریت سود از طریق اقدام تعهدی اقدام کرده و پس از آن مجبور به برگشت دادن و استهلاک سودهای گذشته شوند، محدودیت در انعطاف پذیری مدیریت سود این احتمال را به وجود می آورد که برای حفظ اهداف مد نظر خود به فعالیت های تقلب آمیز روی آورند (جونز، کریشنان و ملنדרز، ۲۰۰۸). برای محاسبه اقدام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده می شود. برای محاسبه اقدام تعهدی اختیاری از طریق مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) برای شرکت در دوره t طبق مدل های ۴ و ۵، ابتدا کل اقدام تعهدی را محاسبه کرده، سپس اقدام تعهدی غیر اختیاری از آن کسر می شود.

$$DA_{i,t} = ACC_{i,t}/A_{i,t-1} - NDA_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$ACC_{i,t}/A_{i,t-1} = a_1(1/A_{i,t-1}) + a_2(CHEV_{i,t}/A_{i,t-1}) + a_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

$ACC_{i,t}$  معرف مجموع اقدام تعهدی در سال t است. کل اقدام تعهدی از رابطه زیر به دست می آید:

$$ACC_{i,t} = CHCA_{i,t} - CHCL_{i,t} + CHSTD_{i,t} - CHCASH_{i,t} - DEP_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه بالا،  $ACC_{i,t}$  جمع کل اقدام تعهدی،  $CHCA_{i,t}$  تغییر در دارایی های جاری سال t نسبت به سال t-۱،  $CHCL_{i,t}$  تغییر در بدهی های جاری سال t نسبت به سال t-۱،  $CHCASH_{i,t}$  تغییر در وجه نقد و معادل وجه نقد سال t نسبت به سال t-۱،  $CHSTD_{i,t}$  تغییر در حصة جاری بدهی های بلندمدت سال t نسبت به سال t-۱،  $DEP_{i,t}$  هزینه استهلاک دارایی های مشهود و نامشهود در سال t.

$$NDA_{i,t} = a_1(1/A_{i,t-1}) + a_2(CHREV_{i,t} - CHREC_{i,t}/A_{i,t-1}) + a_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) \quad \text{رابطه (۲)}$$

$NDA_{i,t}$  اقدام تعهدی غیر اختیاری در سال t،  $A_{i,t-1}$  مجموع ارزش دفتر دارایی های شرکت i در سال t-۱،  $CHREV_{i,t}$  تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل،  $CHREC_{i,t}$  تفاوت خالص حساب های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل،  $PPE_{i,t}$  اموال، ماشین آلات و

تجهیزات ناخالص سال  $t$  و  $a_1, a_2, a_3$  پارامترهای خاص شرکت است که از رابطه ۲ به‌دست می‌آید.

نحوه اندازه‌گیری مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق دستکاری در فروش: بر اساس مطالعات گذشته در مورد دستکاری فعالیت‌های واقعی (ژانگ، ۲۰۰۵ و روی چوداری، ۲۰۰۶)، در این پژوهش نیز منظور از دستکاری فعالیت‌های واقعی، دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری است.

سطح غیرعادی هر نوع از دستکاری فعالیت‌های واقعی، به‌عنوان باقی‌مانده (مازاد) الگوی برآورد مربوط، اندازه‌گیری می‌شود.

روی چوداری (۲۰۰۶)، دستکاری در فروش را تلاش‌های مدیر در جهت افزایش موقتی فروش در طول سال تعریف می‌کند که از طریق ارائه تخفیفات قیمت یا شرایط اعتباری آسان‌تر حاصل شده و جریان‌های نقدی ورودی برای فروش را کاهش می‌دهد. بر همین اساس، انتظار می‌رود دستکاری در فروش به جریان‌های نقدی عملیاتی کمتری در دوره جاری منجر شود. در این تحقیق از الگوی روی چوداری (۲۰۰۶)، برای برآورد سطح عادی CFO استفاده می‌شود:

$$CFO_{i,t}/A_{i,t-1} = a_0 + a_1(1/A_{i,t-1}) + \beta_1(S_{i,t}/A_{i,t-1}) + \beta_2(CHS_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۶)}$$

$CFO_{i,t}$  جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی،  $S_{i,t}$  فروش دوره  $t$ ،  $A_{i,t-1}$  کل دارایی‌های پایان دوره قبل.

سطح عادی CFO به‌صورت تابعی خطی از فروش و تغییرات در فروش بیان می‌شود. برای هر سال - شرکت، جریان‌های نقدی غیرعادی (ABCFO)، تفاوت بین CFO واقعی و CFO مورد انتظار است که از طریق الگوی سال - صنعت متناظر محاسبه می‌شود.

نحوه اندازه‌گیری مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری: نوع دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی، کاهش هزینه‌های اختیاری است. مدیران برای افزایش سود و دستیابی به اهداف مد نظر، به‌طور غیرعادی، هزینه‌های اختیاری را کاهش می‌دهند (برای مثال هزینه تحقیق و توسعه، تبلیغات و هزینه فروش، اداری و تشکیلاتی). به پیروی از روی چوداری (۲۰۰۶)، در این پژوهش نیز سطح عادی هزینه‌های اختیاری غیرعادی با به‌کارگیری رابطه زیر برآورد می‌شود:

$$EXP_{i,t}/A_{i,t-1} = a_0 + a_2(1/A_{i,t-1}) + \beta(S_{i,t-1}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۷})$$

$EXP_{i,t}$  هزینه‌های اختیاری است که از طریق مخارج تحقیق و توسعه + تبلیغات + هزینه‌های فروش، عمومی و اداری و تشکیلاتی به دست می‌آید.  $S_{i,t-1}$  معرف فروش خالص و  $A_{i,t-1}$  کل دارایی‌های پایان دوره قبل است.

روی چوداری این الگو را مبتنی بر فرضیه‌های الگوی دچو و دچیو (۲۰۰۲) تدوین کرده و فرض می‌کند هزینه‌های اختیاری تابعی خطی از فروش است. برای هر سال - شرکت، مخارج غیرعادی اختیاری، تفاوت بین هزینه‌های اختیاری واقعی و هزینه‌های اختیاری مورد انتظار محاسبه شده با به کارگیری الگوی سال - صنعت متناظر است. برای محاسبه هزینه‌های غیرعادی تحقیق و توسعه و هزینه‌های غیرعادی تبلیغات، هزینه فروش، عمومی و اداری و تشکیلاتی، الگوهای ژانگ (۲۰۰۵) به کار گرفته می‌شود.

**رشد حساب‌های دریافتنی ( $AG_{i,t-1}$ ):** این متغیر مجازی است؛ چنانچه رشد حساب‌های دریافتنی نسبت به سال قبل بیش از ۱۰ درصد باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (پرولز و لوجیف، ۲۰۱۱).

### یافته‌های تحقیق

در آمار توصیفی، تلاش بر آن است تا با ارائه جدول‌ها و استفاده از معیارهای توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، داده‌های پژوهش توصیف شود و به شفافیت موضوع کمک کند. نتایج شاخص‌های توصیفی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی داده‌های تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ماکزیمم	مینیمم
Fraud	۰/۵۰۰	۰/۵۰۰۳	۱	۰
CAP-EX	۰/۴۸۶	۰/۵۰۰۱	۱	۰
XSINVEST	۰/۸۶۹	۰/۳۳۶	۱	۰
ABS_JONES_RESID	۰/۹۷۱	۱/۵۷۱	۱۸/۰۲	-۱۷/۴۲
R-CFO	۰/۰۱۴	۰/۲۹۷	۴/۳۱	-۳/۴۹
R-EXP	-۰/۰۰۲	۰/۰۶۰	۰/۵۹۹	-۰/۲۴۲
AG	۰/۵۳۱	۰/۴۹۹	۱	۰

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد، ماکزیمم و مینییمم متغیرهای تقلب، مخارج سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری بیش از حد و رشد حساب‌های دریافتی ۱ و صفر است. شایان ذکر است که این متغیرها مجازی هستند که هر یک دارای ارزش صفر و ۱ است. مقدار میانگین متغیر تقلب حاکی از آن است که نیمی از شرکت‌های جامعه آماری در زمره شرکت‌های متقلب جای می‌گیرند. همچنین میانگین ۰/۴۸۶ برای متغیر مخارج سرمایه‌ای حاکی از آن است که در ۴۹۶ نمونه (سال - شرکت) بیش‌اطمینانی مدیران وجود دارد. این مقدار با استفاده از معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد ۵۸۰ نمونه (سال - شرکت) به‌دست آمده است. مقدار میانگین برای متغیرهای مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق دستکاری در فروش، کاهش هزینه‌های اختیاری به‌ترتیب ۰/۹۷۱، ۰/۱۴ و ۰/۰۰۲- است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه‌ها تمرکز یافته‌اند. تفاوت کوچک‌ترین عدد اقلام مدیریت سود و بزرگ‌ترین عدد نشان‌دهنده این است که با استفاده از اقلام مدیریت سود امکان دستکاری و هموارسازی سود وجود دارد. متغیر R\_CFO و R\_EXP شاخص مدیریت سود واقعی هستند، ارقام منفی در آن نشان‌دهنده کم‌نمایی و ارقام مثبت نشان‌دهنده بیش‌نمایی سود است.

جدول ۲. نتایج برآورد مدل برای آزمون فرضیه با استفاده از معیار مخارج سرمایه‌گذاری

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
سطح معناداری	آماره Z	ضریب	
۰/۰۰۰۴	۳/۵۳۷	۳/۹۱۴	CAP-EX
۰/۱۰۴۱	-۱/۶۲۵	-۰/۶۹۴	ABS_JONES_RESID
۰/۴۸۹	-۰/۷۳۹	-۰/۲۱۸	R-CFO
۰/۷۳۳	۰/۳۴۰	۰/۵۴۶	R-EXP
۰/۳۰۶	-۱/۰۲۲	-۰/۱۷۵	AG
۱۸۱/۳۸۵			آماره LR
(۰/۰۰۰)			سطح معناداری (Prob.)
۳۹/۳۹			ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> ) مک فادن

نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد سطح معناداری آماره LR با استفاده از معیار مخارج سرمایه‌گذاری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. همچنین در این مدل با استفاده از معیار اول سنجش بیش‌اطمینانی مدیریت، ضریب تعیین ۰/۳۹۲ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مد نظر حدود ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همان‌طور که جدول ۲ نشان

می‌دهد، ضریب معیار مخارج سرمایه‌گذاری مثبت و ضریب معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تقریباً برابر با صفر است. از این رو می‌توان گفت براساس معیار مخارج سرمایه‌گذاری، میزان بیش اطمینانی مدیران در شرکت‌های متقلب بیشتر است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل برای آزمون فرضیه با استفاده از معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
سطح معناداری	آماره Z	ضریب	
۰/۰۰۰	-۵/۴۲۰۸	-۱/۲۶۳۱	XSINVEST
۰/۳۰۳۲	-۱/۰۲۹۵	-۰/۵۴۴۵	ABS_JONES_RESID
۰/۸۸۷۷	۰/۱۴۱۲	۰/۰۵۹۸	R-CFO
/۶۰۲۷	۰/۵۲۰۵	۱/۰۰۱۵	R-EXP
۰/۳۴۹۵	-۱/۱۵۱۴	-۰/۳۷۰۵	AG
آماره LR			۳۴/۴۵۶۴
سطح معناداری (Prob.)			(۰/۰۰۰)
ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> ) مک فادن			۷/۴۶

نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد سطح معناداری آماره LR با استفاده از معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. همچنین در این مدل با استفاده از معیار اول سنجش بیش اطمینانی مدیریت، ضریب تعیین ۰/۰۷۴۹ به دست آمده است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مد نظر حدود ۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، ضریب معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد منفی و ضریب معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تقریباً برابر با صفر است. از این رو، بر اساس معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد، افزایش میزان بیش اطمینانی مدیران در شرکت‌های متقلب تأیید نمی‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بیش اطمینانی مدیران به دلیل انتظارات خوش‌بینانه‌ای که مدیران نسبت به رویدادهای آینده شرکت دارند، احتمالاً با گرایش به تقلب همراه خواهد شد. در این پژوهش پس از شناسایی شرکت‌های مشکوک به تقلب در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از مصادیق معرفی شده توسط کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، به تحلیل بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت‌های متقلب پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد براساس معیار مخارج

سرمایه‌گذاری، میزان بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت‌های متقلب بیشتر است. این نتیجه با نتایج پژوهش کوهن و ساتون (۲۰۰۶) مطابقت دارد. بر همین اساس می‌توان اظهار کرد که مدیران با طبقه‌بندی مجدد هزینه‌های عملیاتی تحت عنوان مخارج سرمایه‌ای، می‌توانند به‌منظور تحریف گزارش‌های مالی به مدیریت سود اقدام کنند. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که اعتمادبه‌نفس زیاد به‌دلیل انتظارات خوش‌بینانه با گرایش به تقلب همراه است. اعتمادبه‌نفس زیاد ممکن است به‌طور غیرمستقیم به‌دلیل انگیزه مدیر برای انجام تقلب بر گرایش به تقلب تأثیرگذار باشد. چنانچه عملکرد مدیر طی سال نامطلوب باشد، احتمالاً مجبور خواهد شد که برای حفظ انتظارات خوش‌بینانه‌ای که در رابطه با درآمد ایجاد کرده و برای سرپوش گذاشتن بر نقص‌ها، درآمدها را به‌صورت مقادیر افزایشی مدیریت کرده یا اینکه عملکرد ضعیفش را فاش کند. در حالت عدم افشای حقایق، مدیر برای مخفی کردن عملکرد نامطلوب، احتمالاً به جعل اسناد مالی شرکت و ارائه گزارش مالی حاوی تقلب اقدام می‌کند.

بر اساس نتایج، آزمون فرضیه دوم تأیید نشد؛ به نحوی که براساس معیار سرمایه‌گذاری بی‌رویه، میزان بیش‌اطمینانی مدیران در شرکت‌های متقلب بیشتر نیست. نتایج فرضیه دوم با یافته‌های شراند و زچمن (۲۰۱۱) و لانگبرگ و کومار (۲۰۰۶) مطابقت ندارد. از جمله دلایل رد فرضیه دوم می‌توان به قرار گرفتن شرکت‌ها در مرحله رشد اشاره کرد، بدین معنا که افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مرحله رشد می‌تواند به‌دلیل وجوه نقد مازادی باشد که شرکت‌ها در نتیجه رشد به‌دست می‌آورند، از این رو می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری بیش از حد در دوره زمانی پژوهش، منشأ گرایش به تقلب ندارد.

بر اساس نتایج پژوهش، به قانون‌گذاران و صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به‌منظور کاهش احتمال انحراف در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران و میزان پای‌بندی آنها به اجرای استانداردها و اصول حسابداری توجه کنند. در این راستا بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیرگذار باشد. همچنین با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، از سایر معیارهای سنجش بیش‌اطمینانی مدیران برای تحلیل بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت‌های مشکوک به تقلب استفاده شود. پژوهشگران می‌توانند ضمن مقایسه مدیران بیش‌اطمینان در صنایع مختلف، به تحلیل گزارشگری متقلبانه به تفکیک صنایع بپردازند. ز محدودیت‌های پژوهش حاضر، تأثیر عوامل دیگر در افزایش مخارج سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیش از اندازه به غیر از بیش‌اطمینانی مدیران است که از آن جمله می‌توان به مرحله رشد در چرخه عمر شرکت‌ها اشاره کرد. این مسئله می‌تواند در تعمیم نتایج تأثیرگذار بوده و پژوهش را با محدودیت مواجه کند.



## فهرست منابع

اسلامی بیدگلی، غ، طهرانی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه اعتماد بیش از حد سرمایه گذاران انفرادی و حجم مبادلات آنها در بورس اوراق بهادار تهران، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۰ (۴)، ۲۵۳-۲۳۱.

حساس یگانه، ی، حسنی القار، م، مرفوع، م. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۳)، ۳۸۴-۳۶۳.

حسنی، م، ذیقمی، ا. (۱۳۹۴). شواهدی تجربی از رابطه بین بیش اطمینانی و بیش سرمایه گذاری، *فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران*، ۸ (۳۲)، ۹۷-۷۳.

حیدری، م. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر چسبندگی هزینه: نقش تعدیلی عوامل اقتصادی و عوامل مبتنی بر نظریه نمایندگی در آن، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱ (۲)، ۱۷۲-۱۵۱.

خدای پور، ا، دری سده، م، پوراسماعیلی، آ. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه کاری؛ با در نظر گرفتن نظارت بیرونی، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۲)، ۲۰۲-۱۸۳.

شمسایی، و. (۱۳۹۲). مدیریت سود و تقلب در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان، *نشریه حسابرس*، ۶۴ ۱۱۴-۱۰۶.

عرب صالحی، م، هاشمی، م. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۱۰۴-۸۵.

فرقاندوست حقیقی، ک؛ هاشمی، ا؛ فروغی دهکردی، ع. (۱۳۸۸). مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابرسی*، ۱۴ (۵۶)، ۶۸-۴۷.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۴). *استانداردهای حسابرسی*، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

مرادی، ج، رستمی، ر، زارع، ر. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آنها بر عملکرد مالی شرکت، *پیشرفت های حسابداری*، ۶ (۱)، ۱۷۳-۱۴۱.

مشایخ، ش، بهزادپور، س. (۱۳۹۳). تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱ (۴)، ۵۰۴-۴۸۵.

مشایخی، ب، حسین پور، ا.ح. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۹)، ۵۲-۲۹.

Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism, *Journal of Accounting Research*, 51 (1), 1-30.

- Arabsalehi, M. & Hashemi, M. (2015). The Effect of Managerial Overconfidence on Tax Avoidance. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22(1), 85-104. (in Persian)
- Auditing Organization, International Accounting Standards Committee. (2015). *Audit standards*, Tehran. (in Persian)
- Beasley, M. S., Carcello, J. & Hermanson, D. (1999). COSO's New Fraud Study: What it Means for CPAs. *Journal of Accountancy*, 187(5), 12-13.
- Ben-David, I., Graham, J.R. & Harvey, C.R. (2010). Managerial miscalibration, *Working paper*, Duke University,
- Campbell, T. C., Galleyer, M., Johnson, S.A., Rutherford, J. & Stanley, B.W. (2011). CEO Optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 695-712.
- Cohen, J., Ding, Y., Lesage, C. & Stolowy, H. (2010). Corporate Fraud and Managers' Behavior: Evidence From the Press. *Journal of Business Ethics*, 95(۲), 271-315.
- Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77(s-1), 35-59.
- Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.
- Eslamy Bidgoli, GH. & Tehrani, A. (2011). An Insight into the nature of relationship between overconfidence of individual investors and trading volum in tehran stock exchange. *Economic Research Review*, 4 (39), 231-253. (in Persian)
- Forghandoost Haghghi, K., Hashemi, S. A. & Froughi Dehkordi, A. (2014). Study the relationship between earnings management and the possibility of fraud in the financial statements of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 14 (56), 47-68. (in Persian)
- Gervais, S., Heaton, J.B. & Odean, T. (2010). Overconfidence, investment policy, and manager welfare. *Unpublished Working paper*.
- Hasas Yeganeh, Y., Hasani Alghar, M. & Marfou, M. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22(3), 263-284. (in Persian)
- Hassani, M. & Zeyghami, E. (2016). Empirical Evidence on the Relationship between Overconfidence and Overinvestment. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 8 (32), 73-97. (in Persian)
- Heidari, M. (2014). Examining managerial overconfidence behavioral explanation effect on cost stickiness: comparison with economic and agency theory based factors. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21(2), 151-172. (in Persian)

- Hribar, P. & Yang, H. (2012). Does CEO Overconfidence Affect Management Forecasting and Subsequent Earnings Management? *Working Paper*.
- Hsieh, T., Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10), 1243-1268.
- Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B. & Hassell, J.M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32 (1), 203-219.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
- Jones, K. L., Krishnan, G.V. & Melendrez, K. D. (2008). Do models of discretionary accruals detect actual cases of fraudulent and restated earnings? An empirical analysis. *Contemporary Accounting Research*, 25(2), 499-531.
- Khodamipour, A., Dorri Sedeh, M. & Pouresmaily, A. (2015). The effect of managerial overconfidence on the conservatism with respect to the role of external monitoring. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22(2), 183-202. (in Persian)
- Kuhn, R. & Sutton, S. (2006). Learning from WorldCom: Implications for Fraud Detection through Continuous Assurance. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 3(1), 61-80.
- Langberg, N. & Kumar, P. (2006). *Overinvestment and Corporate Fraud in Efficient Capital Markets*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=894904> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.894904>.
- Libby, R. & Rennekamp, K. (2012). Self-Serving Attribution Bias, Overconfidence, And the Issuance of Management Forecasts. *Journal of Accounting Research*, 50 (1), 197-231.
- Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60(6), 661-700.
- Malmendier, U. & Tate, G. (2008). Who Makes Acquisitions? CEO Overconfidence and the Market's Reaction. *Journal of Financial Economics*, 89(1), 20-43.
- Mashayekh, S. & Behzadpur, S. (2015). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21(4), 485-504. (in Persian)
- Mashayekhi, B. & Hosseinpour, A. H. (2016). The Relationship between Real Earnings Management and Accrual Earnings Management in Companies Suspected of Fraud Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13 (49), 29-52. (in Persian)
- Moradi, J., Rostami, R. & Zare, R. (2014). Recognizing Risk Factors Affecting Fraud Probability in Financial Reporting from Auditors' Viewpoint and Its

- Impact on Firms' Performance. *Journals of Accounting Advances*, 6 (1), 141-173. (in Persian)
- Nofsinger, J. R. (2001). *Investment Madness: How Psychology affects your investing and what to do about it*, Pearson Education, 1st Edition. London: United Kingdom.
- Perols, J. L. & Lougee, B. A. (2011). The relation between earnings management and financial statement fraud. *Advances in Accounting*, 27(1), 39 – 53.
- Rahman, S., Sulaiman, S., Fadel, E. & Kazemian, S. (2016). Earnings Management and Fraudulent Financial Reporting: The Malaysian Story. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 12 (2), 91-101.
- Rezaee, Z. & Riley, R. (2009). *Financial statement fraud: prevention and detection*. 2nd ed. Hoboken, NJ: John Wiley and Sons, Inc.
- Richardson, S., (2006). Over-Investment of Free Cash Flow. *Review of Accounting Studies*, 11, 159-189.
- Rijsenbilt, A. & Commandeur, H. (2013). Narcissus Enters the Courtroom: CEO Narcissism and Fraud. *Journal of Business Ethics*, 117 (2):413-429.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Scherand, C.M. & Zechman, S.L. (2011). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 311–29.
- Shamsaie, V. (2013). Earnings management and fraudulent financial reporting by auditors recognize the distinction. *Hesabras*, 64, 106-114. (in Persian)
- Stolza, B, T. Setman, N, E. & Xu, J. (2015). Managerial Overconfidence and Earnings Management. *Working paper*, Department of Insurance, Legal Studies, and Real Estate, University of Georgia.
- Taylor, S. L. & Bayley, L. (2007). Identifying earnings overstatements: A practical test. Working Paper, July, 2007 Available at [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=995957](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=995957).
- Zhang, A. Y. (2005). Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation. *Working paper*. University of Rochester. Available at <http://ssrn.com/abstract=961293>.